

حوادث ۱۹ جام جم

تلنگر

مرگ شیشه‌ای مرد قاچاقچی

فروشنده شیشه وقتی پلیس را در تعقیب خود دید، شیشه‌ای که همراه داشت را بلعید که به قیمت جانش تمام شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۲ ظهر سه شبیه یکی از ماموران کلانتری تجریش با بازپرس ساسان غلامی، کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک مرد ۲۵ ساله‌ای در بیمارستان لقمان خبرداد. در جریان تحقیقات مقدماتی مشخص شد، مرد جوان به علت خوردن موادمخدر شیشه دچار مسمومیت شده و جان باخته است.

یکی از ماموران کلانتری تجریش اظهار داشت: عصر دوشنبه متهم ۲۵ ساله که توزیع کننده موادمخدر بود را در پاتوقش شناسایی و بازداشت کردیم.او به بازداشتگاه پلیس منتقل شد اما ساعتی بعد در بازداشتگاه حالش بد شد. وی را به بیمارستان منتقل کردیم که روز بعد فوت شد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد متهم زمانی که پلیس در تعقیبش بوده موادمخدر شیشه‌ای که همراه داشته را بلعیده و همین موضوع باعث مرگ وی شده است.

پلمب مغازه حاشیه‌ساز

مغازه‌ای که با نصب تبلیغات نژادپرستانه ورود اتباع افغان را ممنوع کرده بود، پلمب شد. سرهنگ علی سلیمانی، فرمانده انتظامی شهرستان نظرآباد به ایسنا گفت: از چند روز پیش ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که در آن یک مغازه‌دار ورود اتباع افغانستانی را به مغازه خود ممنوع کرده بود. در ادامه مغازه مورد نظر را شناسایی کردند و معلوم شد ماجرا صحت دارد. صاحب مغازه تحت تعقیب قضایی قرار گرفت و مغازه نیز پلمب شد. نوروزی فر رئیس بسیج رسانه البرز هم در این باره گفت: پس از انتشار کلیپی از این اقدام مرد مغازه دار، دادستانی به موضوع ورود پیدا کرد. برخی شبکه‌های خارجی با انتشار این ویدئو سعی داشتند مهمان نواری ایرانیان را زیر سوال ببرند.

صاعقه جان ۲۰ نفر را گرفت

سختگویی سازمان اورژانس کشور از جان باختن ۲۰ نفر از هموطنان از ۱۸ تا ۳۱ اردیبهشت برابرش ربورده «صاعقه» خبر داد. مجتبی خالدی به تسنیم گفت: از ۱۸ تا ۳۱ اردیبهشت امسال همزمان با سوانح جوی سیل، صاعقه و توفان در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، خراسان‌رضوی و جنوبی، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، کرمانشا، کردستان، فارس، خوزستان، کرمان، لرستان، مرکزی، کهگیلویه و بویر احمد و گیلان ۲۲ نفر کشته و ۵۳ نفر مصوم شدند.

بازداشت عاملان

توزیع مشروبات الکلی مرکبار

پنج عضو یک باند که با توزیع مشروبات الکلی تقلبی در اصفهان باعث مسمومیت ۴۳ نفر و مرگ پنج نفر از آنها شده بودند، بازداشت شدند. سرهنگ حسین حسین زاده، جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان به ایلنا گفت: همزمان با اعلام اورژانس سه بیمارستان اصفهان مبنی بر مسمومیت تعدادی از افراد که مشروبات الکلی تقلبی مصرف کرده‌اند، ماموران تحقیقات را آغاز کردند که مشخص شد، در مجموع ۴۸ نفر مسموم شده‌اند که از این تعداد سه نفر به کما رفته و در بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند. همچنین پنج نفر از بستری‌شدگان که دوزن و سه مرد بودند، فوت شدند. تحقیقات ماموران پلیس امنیت عمومی اصفهان برای دستگیری فروشندگان مشروبات الکلی تقلبی ادامه پیدا کرد تا این‌که در تحقیقات بعدی بعدی پنج مرد در این پرونده بازداشت شدند.

آن سوی مرز

دستگیری دزدان

جواهرفروشی مرد ایرانی در لندن

پلیس لندن پنج نفر از دزدان جواهرفروشی امیر در لندن را دستگیر کرد.

به گزارش جام جم، عصر دوشنبه پنج سارق با سه دستگاه موتورسیکلت به جواهرفروشی امیر که مدیر آن یک ایرانی است در غرب لندن دستبرد زدند. دزدان جاقو و تیر داشتند اما با مقاومت صاحب طلافروشی روبه‌رو شدند و بدون سرقت از محل گریختند. در ادامه صاحب طلافروشی به تعقیب آنها پرداخت و یکی از دزدان را دستگیر کرد. با حضور پلیس چهار سارق دیگر هم دستگیر شدند.



افغان به نام نصیر را در این سرقت پیدا کردند. نصیر ۱۰ فقره سابقه کیفری دارد که در حوالی کرج همراه همدستش دستگیر شد. متهمان در تحقیقات به ۱۵ فقره سرقت و زورگیری و بریدن گوش ۱۵ مالباخته اعتراف کردند که تحقیقات از آنها در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

پشت‌صحنه يك جنایت

کجا بروم. بی‌هدف تردد می‌کردم. چندبار مقابل دو کلانتری رفتم و حتی خودرو را پارک کردم و تا نزدیکی‌های در ورودی کلانتری رفتم و می‌خواستم تسلیم شوم که ترسیدم و دوباره به سمت خودرویم بازگشتم. خواستم جسد را در میان زباله‌ها بیندازم که با دیدن معتادان کارتن خواب پشیمان شدم. بی‌هدف حرکت می‌کردم. وقتی به خودم آمدم در جاده هراز بودم. جسد را در نزدیکی امامزاده هاشم رها کردم و به تهران بازگشتم.

❖ در این مدت تصمیم‌نگرفتی خودت را تسلیم کنی؟ نه. اما یک بار چند بسته قرص گرفتم تا بآن خودکشی کنم که ترسیدم و جرات نکردم. رفتم آشپزخانه گاز را بازکردم تا شاید برائثر سم‌آشپزخانه و چاقویی برداشتم و سمت شنیدم که فریاد می‌زدند بوی گاز می‌آید ترسیدم و شیرگاز را بستم. یک بار خواستم رگ دستم را بزنم که نشد.

❖ به محل رها کردن جسد رفتی؟ بعضی پنجشنبه‌ها به آنجا می‌رفتم و فاتحه می‌خواندم.

❖ خانواده مقتول سرافری از او گرفتند؟ چند بار خواهرش تماس گرفت که هر بار به دروغ گفتم به مهمانی یا خانه دوستانش رفته است.

❖ ماجرا چطور لو رفت؟ خواهر همسر به غیبت طولانی او مشکوک شده بود و همین باعث شد از من شکایت کندو پلیس دستگیر کرد.

❖ فرزندان به ملاقات آمدند؟ فقط یک بار به دیدنم آمدند. وقتی فهمیدند پدرشان قاتل شده و آبروی آنها برده، دیگر به ملاقاتم نیامدند و مرا طرد کردند.**❖ می‌دانی چه حکمی درانتظار است؟** با قاضی که حرف زدم، فهمیدم حکم قصاص است. خانواده همسرم برایم درخواست قصاص کرده‌اند.



حال تحقیق از همسایه بودند که پدر خانواده به خانه بازگشت. وی به افسر تحقق گفت: پدرزنم برائثر تصادف فوت کرده و قرار بود همراه خانواده ام دوم خرداد به شهرستان برویم تا در مراسم چهل‌م وی شرکت کنیم. اما همسرم اصرار داشت زودتر برویم که من به خاطر شرایط کاری ام نمی‌توانستم. سر همین موضوع با هم مشاجره لفظی پیدا کردیم. صبح امروز سرکارم در شرکت خصوصی رفتم و او با دو فرزندم در خانه آمد و بدون در تماس تلفنی همسایه‌ها به متوجه این حادثه شدم. همسرم بعد از مرگ پدرش به‌خاطر علاقه‌ای که به او داشت، حالش بد شده و افسرده شده بود. حتی تحت درمان پزشکی بود و قرص مصرف می‌کرد. پسر!۱ ساله خانواده هم گفت: مادرم از ما خواست به پشت بام برویم که من قبول نکردم و گفتم می‌خواهم تلویزیون نگاه کنم. برادرم همراه او رفت و من تنها در خانه ماندم. تحقیقات تکمیلی درباره دیگر ابعاد این پرونده در پلیس آگاهی ادامه دارد.



ده روز پس از بازگشت باران شیخی به خانه‌شان در شهرک مهاجران شازند، پسر بچه هفت ساله‌ای در یکی از روستاهای این شهر ناپدید شد. به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه ۲۹ اردیبهشت امسال خانواده پسر بچه هفت ساله‌ای به نام محمدسپهر با مراجعه به پلیس شازند از ناپدید شدن او خبر دادند. آنها در شکایت خود گفتند: خانه‌مان در یکی از روستاهای شازند است. امروز محمدسپهر از خانه خارج شد و تصور کردیم به خانه پدربزرگش که در نزدیکی خانه‌مان رفته است. شب وقتی به دنبال او رفتیم متوجه شدیم به خانه پدربزرگش نرفته است. باکمک اهالی روستا جست‌وجو را آغاز کرده اما هیچ اثری از پسرمان نبود. پس از این شکایت پرونده‌ای در پلیس آگاهی شازند تشکیل و تحقیقات برای یافتن پسر هفت ساله آغاز شد. سرهنگ محمود خلجی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی در این باره گفت: حدود ساعت ۳۳ و ۳۴ دقیقه بیست و نهم اردیبهشت امسال، گزارشی از فقدانی پسر بچه‌ای هفت ساله به نام محمدسپهر نقدی در یکی از روستاهای شهرستان شازند به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام و بلافاصله تحقیقات تخصصی پلیس برای بررسی این موضوع آغاز شد. وی افزود: از زمان ناپدید شدن این پسر بچه، تحقیقات تخصصی و گسترده پلیس برای یافتن او آغاز شده و چند تیم از کارآگاهان پلیس در حال پیگیری این موضوع هستند.

محل شده و با مردی روبه‌رو شدند که لاله گوشش بریده شده بود.

این مرد به ماموران گفت: دو مرد افغان را به عنوان مسافر سوار خودرو کرده در اینجا به سمت حمله ور شده و قصد سرقت ماشین را داشتند. وقتی در برابرشان مقاومت کردم، با چاقو گوشم را بردند. پس از این شکایت ماموران ردپای سارقی

پیرمرد ۷۴ ساله، همسر موقتش را با ضربه چاقو کشت و اطراف تهران دفن کرد

عقد را تمدید نکرد، او را کشتیم

یک دست سفیدش او را در میان متهمانی که کنارشان ایستاده متمایز کرده است. آرام و قرار ندارد و مدام زیر لب می‌گوید این چه خشمی بود که من یک دفعه با آن درگیر شدم و این بلا سرم آمد. همسرم را کشتم و خودم با ۷۴ سال سن قاتل شدم و حالا خانواده‌ام چشم دیدنم را ندارند.

❖ قبلا چه کاره بودی؟

راننده یکی از اداره‌های دولتی بودم، ۳۰ سال کار کردم و بازنشسته شدم.

❖ با مقتول چطور آشنا شدی؟

سه فرزند دختر و پسر دارم که هر کدام ازدواج کرده و سر زندگی شان رفته‌اند. چهارزوه هم دارم. همسر اولم ۱۴ سال قبل فوت شد. چند سال تنها زندگی کردم تا این‌که تصمیم گرفتم برای خلاصی از این تنهایی دوباره ازدواج کنم. زن کشته شده کارمند اداره و از آشنایان یکی از همکارانم بود. به خواستگاری اش رفتم و او قبول کرد با من ازدواج کند و به عقد موقت درآمد.

❖ با هم اختلاف داشتید؟

هشت سال با هم زندگی کردیم. سال‌های اول زندگی زیاد با هم مشکلی نداشتم اما از سه سال پیش به عنوان مختلف با هم درگیری و اختلاف پیدا کردیم. او دوست نداشت زیاد در خانه باشد و می‌خواست بیشتر نزد خانواده و دوستانش برود و با آنها خوش بگذرانند. همین اختلاف‌ها باعث شد یک بار از هم جدا شویم، اما بعد از مدتی به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم سراغش رفتم و دوباره وی را به عقد موقت در آوردم و به خانه‌ام بردم. این اواخر دوباره می‌خواست از من جداشود و می‌گفت دیگر طاقت با من بودن را ندارد. حتی در جریان دعواهایمان می‌گفت می‌خواهد از من جدا شود. اما من حاضر به این کار نبودم.

❖ فرزندان از ماجرای اختلاف میان شما و همسرت خبر داشتند؟

آنها بعد از ازدواج من با آن زن ارتباطشان با من کمتر شد و خیلی کم به دیدنم می‌آمدند

خشونت خانگی آغاز یک جنایت

رحیم دشتبان، بازپرس دادسرای جنایی تهران در این باره می‌گوید: در این پرونده شاهد هستیم که مردی ۷۴ ساله همسر میانسال خود را که ۱۷ سال از وی کوچک‌تر بود قربانی خشونت خانوادگی کرده است. تحقیقات از متهم پرونده نشان داد او در جریان اختلاف و درگیری‌هایی که با همسرش داشته، یک لحظه نتوانسته بر خشم خود غلبه کند و دست به قتل همسرش زده است. او حتی قصد داشته بعد از قتل همسرش خودکشی کند که ناکام مانده بود. وی افزود: زمانی که افراد بتوانند بر خشم‌های آتی خود کنترل داشته باشند و مشکلات را در فضایی آرام حل کنند دیگر این مشکلات به وجود نمی‌آید و شاهد قتل‌های ناخواسته نیستیم. از سوی دیگر در چند سال اخیر شاهد این هستیم که برخی جنایت‌های خانوادگی در میان زوجین میانسال و سالخورده رخ می‌دهد. وقتی این قتل‌ها را بررسی کنیم، به نتایجی می‌رسیم که نشان می‌دهد، زوجین در طول زندگی با بحران و مشکلات‌های مختلفی روبه‌رو بوده‌اند که در طول این سال‌ها نتوانسته‌اند آن مشکل را حل کنند و این باعث شد پس از چند سال مانند آتش زیر خاکستر خود را بروز دهد. بازپرس جنایی پایتخت در پایان یادآور شد: زوجین باید ابتدا مهارت خوب گوش دادن و تبادل نظر و احترام به رفتار و گفتار یکدیگر را بیاموزند. آنها باید سعی کنند به حریم و عقاید یکدیگر احترام بگذارند. زوجین باید برای حل مشکلات خود از تجربیات زندگی افراد دیگر هم استفاده کنند. اگر اخلاقی برایشان رخ داد از افراد بزرگ خانواده کمک بگیرند و در صورت بروز مشکل در میانسالی یا سالخوردگی از این‌که نزد مشاور بروند، خجالت نکنند.

خودکشی مادر همراه پسر ۶ ساله

زن جوان بعد از مشاجره لفظی با شوهرش، با پسر شش ساله‌اش به پشت بام ساختمان شش طبقه‌ای در محله مهرآباد رفت و همراه پسر به پایین پرید. مادر و پسر برائثر شدت جراحات جان باختند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۸ صبح چهارشنبه یکم خرداد امسال یکی از ماموران کلانتری مهرآباد با رحیم دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و اطلاع داد که زن ۳۳ ساله‌ای همراه پسر شش ساله‌اش از پشت بام ساختمان شش طبقه‌ای به پایین پرت شده‌اند و هردو فوت کرده‌اند. ماموران و تیم جنایی در محل حاضر شده که معلوم شد زمان کوتاهی از مرگ آنها گذشته است. در ادامه تحقیقات مشخص شد، این خانواده از یک ماه پیش در آنجا ساکن شده بودند و زن فوت شده، پسر!۱ ساله‌ای هم داشته که او در خانه مانده و از ماجرا خبر نداشته است. ماموران در

ناپدید شدن مرموز محمدسپهر در روستا

ده روز پس از بازگشت باران شیخی به خانه‌شان در شهرک مهاجران شازند، پسر بچه هفت ساله‌ای در یکی از روستاهای این شهر ناپدید شد. به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه ۲۹ اردیبهشت امسال خانواده پسر بچه هفت ساله‌ای به نام محمدسپهر با مراجعه به پلیس شازند از ناپدید شدن او خبر دادند. آنها در شکایت خود گفتند: خانه‌مان در یکی از روستاهای شازند است. امروز محمدسپهر از خانه خارج شد و تصور کردیم به خانه پدربزرگش که در نزدیکی خانه‌مان رفته است. شب وقتی به دنبال او رفتیم متوجه شدیم به خانه پدربزرگش نرفته است. باکمک اهالی روستا جست‌وجو را آغاز کرده اما هیچ اثری از پسرمان نبود. پس از این شکایت پرونده‌ای در پلیس آگاهی شازند تشکیل و تحقیقات برای یافتن پسر هفت ساله آغاز شد. سرهنگ محمود خلجی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی در این باره گفت: حدود ساعت ۳۳ و ۳۴ دقیقه بیست و نهم اردیبهشت امسال، گزارشی از فقدانی پسر بچه‌ای هفت ساله به نام محمدسپهر نقدی در یکی از روستاهای شهرستان شازند به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام و بلافاصله تحقیقات تخصصی پلیس برای بررسی این موضوع آغاز شد. وی افزود: از زمان ناپدید شدن این پسر بچه، تحقیقات تخصصی و گسترده پلیس برای یافتن او آغاز شده و چند تیم از کارآگاهان پلیس در حال پیگیری این موضوع هستند.

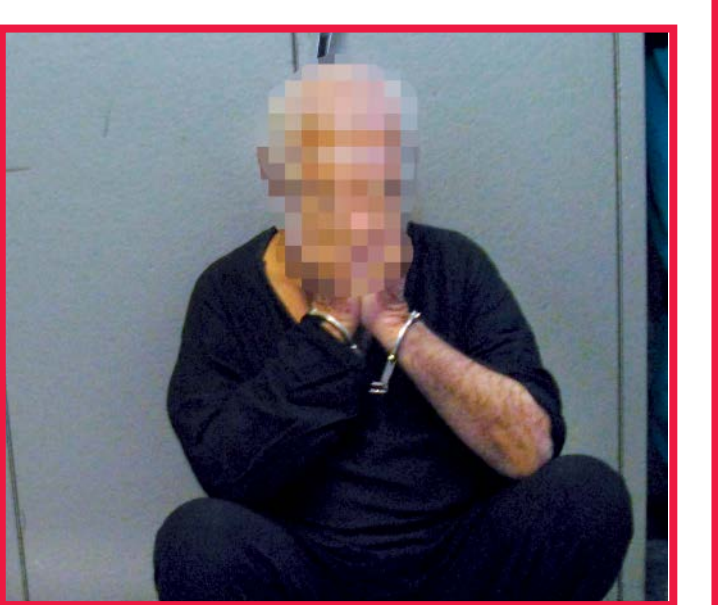
دستگیری افغان‌های گوش‌بر

دو مرد افغان که در پوشش مسافر زورگیری می‌کردند و گوش مالباختگان را می‌بردند، در دام پلیس گرفتار شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲۸ فروردین امسال ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین در جریان زورگیری از راننده در خیابان فلسطین قرار گرفتند. تیمی از ماموران راهی

پیرمرد ۷۴ ساله، همسر موقتش را با ضربه چاقو کشت و اطراف تهران دفن کرد

عقد را تمدید نکرد، او را کشتیم



❖ یک لحظه عصبانیت باعث شد مهر قاتل بودن روی پیشانی اش حک شود. بعد از قتل همسر موقتش، جسد را به جاده امامزاده هاشم برد و در آنجا رها کرد. در بازجویی‌های اولیه سعی کرد خود را بی‌گناه نشان دهد و چند روزی سکوت کرد، اما سرانجام لب به اعتراف کشود و به قتل زن میانسال اعتراف کرد. در «پشت‌صحنه یک جنایت» این هفته سراغ پیرمرد همسرکش رفتیم و پای صحبت‌های او نشستیم. مرد ۷۴ ساله از انگیزه اش برای قتل و رها کردن جسد در حاشیه جاده گفت که در ادامه می‌خوانید.

❖ قتل در اوج عصبانیت

تحقیقات در خصوص این پرونده از چهار ماه پیش و همزمان با شکایت زنی در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران درباره ناپدید شدن خواهر ۵۷ ساله‌اش آغاز شد. با دستور بازپرس جنایی رسیدگی به پرونده در دستور کار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. ماموران هنگام تحقیق از این زن دریافتند، او دو ماه است از خواهرش که با مرد ۷۴ ساله‌ای ازدواج کرده، خبر ندارد. چند بار هم با داماد خانواده تماس گرفته اما او هر بار مدعی بوده که همسرش بیمار است یا به سفر رفته و قادر به گفت‌وگو و ملاقات با خانواده‌اش نیست.

در تحقیقات بعدی مشخص شد که این زن هر بار که قصد سفر داشته موضوع را به خواهرش اطلاع می‌داده اما این بار به او خبری نداده و احتمال می‌دهد به خاطر اختلاف‌هایی که این اواخر با شوهر موقتش داشته، بلایی سر او آمده باشد. با این شکایت داماد ۷۴ ساله تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. این مرد در بازجویی اولیه مدعی بود خبری از همسر موقتش ندارد و حتی مدتی است از هم جدا شده‌اند و قرار بوده او دوباره برای تمدید عقد موقت نزد وی برود که دیگر به ملاقاتش نیامده است. ماموران به تحقیقات ادامه دادند تا این‌که پیرمرد که دچار عذاب وجدان شده بود، زار قتل همسر موقتش را فاش کرد. تحقیقات نشان می‌داد که او آن زن را با ضربه چاقو دو ماه قبل از دستگیری‌اش

محاكمه عامل جنایت مستانه در پارک

پسر جوان که در اوج مستی در پارکی در شهران دست به جنایت زده بود دیروز پای میز محاکمه ایستاد. متهم مدعی بود، به‌خاطر مستی کنترلی روی رفتارش نداشته است.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه بیست و پنجم اردیبهشت سال ۹۷ به ماموران کلانتری ۱۴۱کن خبر رسید در بوستان بهار در خیابان شهران درگیری خونین رخ داده است. ماموران پلیس به پارک موردنظر رفتند و با پیکر خونین مرتضی ۳۰ ساله روبه‌رو شدند. او ساعاتی بعد از انتقال به بیمارستان فوت شد. در بررسی‌ها روشن شد مرتضی در درگیری با پسری مست به نام حجت کشته شده است. ردیابی حجت آغاز و وی با اطلاعاتی که شاهدان به پلیس دادند بازداشت شد. حجت قتل در اوج مستی را گردن گرفت و به بازسازی صحنه جرم پرداخت. متهم ۲۰ ساله دیروز در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی کیخواجه و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه مادر قربانی برای حجت حکم قصاص خواست. سپس متهم به دفاع پرداخت و گفت: آن روز در خانه‌مان مشروب خورده بودم که دوستم پرهام با من تماس گرفت و از من خواست تا از خانه‌مان در شهری به محله آنها در شهران بروم. من هم قبول کردم و با پرهام در پارک قرار گذاشتم. با موتور به داخل پارک رفتم و آنجا با پرهام و چند نفر دیگر از دوستان‌مان بار دیگر مشروب خوردم. حال طبیعی نداشتم و دوستانم می‌گویند در حال عریده کشی بودم که مرتضی که برای تفریح به پارک آمده بود مقابل من ایستاد و به من اعتراض کرد. یادم می‌آید او می‌گفت نباید مقابل زن و بچه مردم داد و فریاد بزنم و فحاشی کنم. او لحن تندى داشت. این متهم ادامه داد: من مست بودم و حال خودم را نمی‌فهمیدم با او درگیر شدم. او چند سیلی به صورتم زد. می‌خواستم فرار کنم اما مقابلم دیواری بود که راهم را بسته بود به همین خاطر چاقویی را که در جیب داشتم بیرون آوردم و یک ضربه به گردن مرتضی زدم. وی در پاسخ به سوال قاضی درباره این‌که چرا چاقو حمل می‌کردی، گفت: مدتی بود موتور گرانیجیمی خریده بودم. چون در محله‌مان خفت گیری زیاد بود می‌ترسیدم موتورم را از من به زور بگیرند. به همین خاطر برای دفاع از خودم و حفظ موتورم همیشه یک چاقو در جیب داشتم. من پشیمانم و شرمنده اولیای دم هستم و از آنها تقاضا دارم تا مرا ببخشند. من قصد قتل نداشتم. در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رأی صادر کند.